



### اشاره

ادبیات در سرزمین ما، نماد فرهنگی و نشانه هویت اصلی ما به شمار می آید. از هزار سال پیش تاکنون، شاید هیچ موضوعی چون ادبیات، ممزوج و مانوس با دین نبوده است. اکنون نیز این رابطه زیبا برقرار است. مقام معظم رهبری در مواردی گوناگون، از جمله سند چشم انداز ۲۰ ساله، بر حفظ زبان و ادبیات فارسی تأکید داشته‌اند. متن زیر گفت و گویی است با یکی از اساتید ادبیات و شعر فارسی ایران - استاد محمدعلی مجاهدی - درباره نشانه هویت ما - زبان و ادبیات فارسی. وی در این گفت و گو، دغدغه‌های خود را درباره آنچه ادبیات آیینی و دینی را تهدید می‌کند، بیان می‌دارد.

ساعت ۱۲ صبح روز جمعه است که انگشتم را روی زنگ در خانه فشار دادم. دو روز پیش وقتی تماس گرفتم برای مصاحبه، استاد گفته بود که امروز وقتش آزاد است. پرسیده بود: «سؤال‌ها درباره چه موضوعی است؟»، گفته بودم: «اجازه بفرمایید، می‌خواهیم کمی درباره آینده ادبیات کشور، با توجه به روندی که اکنون در پیش گرفته است، گفت و گو کنیم.» چیزی شبیه‌آه از تمام وجودش را توی گوشه‌ی ریخت که انگار تمام وجودم را سوزانده بود. گفته بود که چند وقتی است سرگرم تحقیق درباره شعر آیینی است و من گفته بودم: «عالی است، می‌توانیم بختمان را حول این محور قرار دهیم.» و امروز ساعت ۱۲ صبح، صدایی خسته و غمگین و در عین حال صمیمی، از توی ایفون به من گفت: «بفرمایید»، راه را بلد بودم. بارها و بارها، روزها و شبها با جمع شاعران و مداحان به اینجا آمده و از محضر استاد درس گرفته

تفت و ۵ و از علی‌اصغر کاویانی

# عکرو اسک

## خیمه شب بازی شده‌ایم

بودیم. «یا الله» گفتیم و به طرف کتابخانه و محل جلسات قبلی شعر و شاعران، پاروی پله گذاشتم. بی هیچ مقدمه‌ای، پس از سلام و احوال‌پرسی معمول، رفتم سر اصل مطلب، نشستم کنار پوستینی که جای استاد بود، روبروی ما حوضچه آبی بود که امروز نه آبی داشت و نه صدای آبشار از آن می‌آمد. استاد رفت پشت میزش که درست آن طرف سالن بود. ورقی آورد که تا دو روز پیش، سفید بود؛ اما الان آنقدر کلمه و جمله در آن شکفته یا شعله می‌کشید که یک جای خالی هم در آن دیده نمی‌شود. استاد محمدعلی مجاهدی (پروانه) وقتی روی پوستین می‌نشید، انگار کوه عم روبرویم نشست است. با همان صدای شبیه آه، شاید برای اینکه عزم‌ها را بستند؛ از موضوع بحث پرسید، در جواب، همان چیزی را گفتم که چند روز پیش گفته بودم، لحظه‌ای به سکوت گذشت که استاد اولین جمله‌اش را گفت: «عروسک خیمه شب بازی شده‌ایم.» داشتیم جمله را توی ورق مصاحبه تمام می‌کردم که با همان حالت گرفته و غمگین ادامه داد: «شعر امروز را از درون، تهی کرده‌اند. راست می‌گفت شهریار ادب که: فرهنگ ما برای جهالت فزودن است؛ ولی کسی فریادش را نشنید، کار، کاری استعماری است! چه بر سر گنجینه ارزشمند ادب و فرهنگ ما آورده‌اند... ما را بی‌اعتنا کردند... دارند ادب و فرهنگ ما را بی‌اعتبار می‌کنند.» دبیر پیشین انجمن ادبی شعرو قصه استان قم، بحث را از نظام آموزش و پرورش آغاز می‌کند.

می‌گوید: «سیستم آموزش و پرورش ما، درباره ادبیات زبان فارسی، بد عمل کرده است. درس‌های املا، انشا و ادبیات و دستور زبان فارسی ما توی مدارس در هر سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، تبدیل شده است به کلاس و درس کم اهمیت. مخصوصاً در دوره راهنمایی هر کسی که نمی‌داند کجا و در چه درسی از او استفاده کنند، می‌گذارندش معلم انشا یا املا و حتی اجازه می‌دهند زبان و ادبیات فارسی درس بدهد. این یعنی اهمیت قائل نبودن برای فرهنگ و ادب کشور؛ کم توجهی به گنجینه فرهنگ ملی. در قدیم این طور نبود. پدر من، قبل از اینکه به مدرسه بروم، مرا فرستاد مکتب، آنجا گلستان و بوستان، نصاب الصبیان که فرهنگ منظمی است که لغات عربی را آورده و معادل فارسی را کنارش قرار داده است، خواندم. آن روز، قبل از اینکه وارد مدرسه شویم، توی مکتب با

گلستان و بوستان آشنا می‌شدیم؛ اما امروز همین دو کتاب را در دوره دکترا می‌خوانند. این پس‌رفت نیست؟ فاجعه است. این شیوه شیوه غلطی است. آموزش و پرورش ما در این باره حکم بیماری را دارد که باید با دقت مداوا و معالجه شود.»

وی در پاسخ به اینکه: «چه باید کرد تا چشم‌انداز زیبایی را در این باره شاهد باشیم؟» می‌گوید: «چاره‌ای نداریم جز آنکه برای این مسئله، اهمیت‌بخش از پیش قائل شویم. آموزگاران، دبیران و اساتید اهل فن و شایسته‌ای را بگماریم. باید تغییرات اساسی و کلی در برنامه آموزشی مدارس صورت گیرد. باید نیروی انسانی جدید تازه نفسی تربیت شود تا بتواند بنای نو و زیبایی بر این خرابه بسازد. لازم است متون ادبیات و دستور زبان فارسی، بازنگری و بازنویسی شوند. از طرفی دیگر، آموزش و پرورش ما بیشتر صیغه دولتی دارد؛ در حالی که باید بیشتر جنبه همیاری و مردمی داشته باشد. سیستم جدید ما مردم را منهار کرده است. باید قبول کنیم که دولت نمی‌تواند بار آموزش و پرورش را به تنهایی بر دارد. یاری مردم لازم است تا سرمایه‌گذاری‌های کلان آموزشی، جدی گرفته شود.»

شاعر مجموعه «شکوه شعر عاشورا» و صاحب عنوان برترین کتاب سال ۱۳۸۰ از کنگره سراسری شعر عاشورا، درباره آموزش عالی و عملکرد آن وزارتخانه در زمینه ادبیات و فرهنگ معتقد است: «متأسفانه در

**آن روز، قبل از اینکه وارد مدرسه شویم، توی مکتب با گلستان و بوستان آشنا می‌شدیم؛ اما امروز همین دو کتاب را در دوره دکترا می‌خوانند. این پس‌رفت نیست؟ فاجعه است. این شیوه، شیوه غلطی است. آموزش و پرورش ما در این باره حکم بیماری را دارد که باید با دقت مداوا و معالجه شود.**

**اگر به گذشته پُر افتخار خودمان برگردیم، پزشکان ما و سیاسیون ما از ادبای بزرگ بوده‌اند. چرا؟ چون در گذشته به ادبیات به چشم یک اولویت نگاه می‌کردند.**

**آیا ننگ نیست زبان و ادبی که سابقه چندین هزار ساله دارد، هنوز به یک تعریف و رسم الخط مشترکی نرسیده باشد؟**

دانشگاه‌های ما هم به زبان و ادبیات فارسی، کمتر توجه شده است. هر دانشجویی که در هر رشته دانشگاهی تحصیل می‌کند، باید واحدهای لازم ادبی را بگذراند؛ ولی می‌بینیم کسانی که فارغ‌التحصیل شده‌اند، نمی‌توانند جمله‌ای از درس را بنویسند و از نوشتن یک نامه یا یک برگه معرفی عاجزند؛ حتی بعضی از آنها، املاهای کلمات را غلط می‌نویسند. در حالی که اگر به گذشته پُر افتخار خودمان برگردیم، پزشکان ما و سیاسیون ما از ادبای بزرگ بوده‌اند. چرا؟ چون در گذشته به ادبیات به چشم یک اولویت نگاه می‌کردند.»

محمدعلی مجاهدی اضافه می‌کند: «از طرفی، هنوز توانسته‌ایم معضل رسم الخط و دستور زبان خودمان را حل کنیم. هر کس به گونه‌ای می‌نویسد و به گونه‌ای تعریف می‌کند، معلوم نیست فرهنگستان زبان و ادب ما، کی باید به این بی‌سر و سامانی‌ها پایان بدهد! من این سوال را می‌پرسم که آیا ننگ نیست زبان و ادبی که سابقه چندین هزار ساله دارد، هنوز به یک تعریف و رسم الخط مشترکی نرسیده باشد؟ امروز یکی از جلوه‌های شبیخون فرهنگی، همین است که مقام معظم رهبری خطر آن را به ما گوشزد کرده‌اند.»

نویسنده «سیمای مهدی موعود در شعر فارسی» و دارنده عنوان اتر ممتاز کتاب سال ولایت ۱۳۸۱، از کوتاهی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره رشد ادب و فرهنگ جامعه ناراضی است و می‌گوید: «یکی از رسالت‌های تعریف شده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ترویج و حفظ و صیانت از فرهنگ و ادبیات کشور است. آیا وزارت ارشاد ما بعد از انقلاب تا به حال توانسته است معضل فرهنگ و ادب این مملکت را حل کند؟ اگر نتوانسته، چه عواملی را شناسایی کرده است؟ به نظر من، مشکلی که امروزه در وزارت ارشاد شاهد آن هستیم و اگر به آن توجه نشود، آینده‌ای بدتر و وحشتناک‌تر از این خواهیم داشت، عوامل بازدارنده‌ای است که در چرخه مدیریتی این وزارتخانه قرار دارد. این عوامل باید حذف شوند. دست‌هایی است که دارد فرهنگ این مملکت را از

سنگر حفظ فرهنگ به سمت بی‌هویتی سوق می‌دهد.»

وی می‌افزاید: «یکی از وظایف این وزارتخانه، تشکیل نهادهای، نخبانها و محافل ادبی، فرهنگی و هنری در کشور است. از طرفی می‌دانیم که اموراتدبسی و هنری، جلوه و نمود خاصی در برابر دید عموم مخاطبان، به ویژه نوجوانان و جوانان دارد. حال با توجه به این جایگاه مهم، سیاست نظارت بر عملکرد انجمن‌ها و نهادهای مزبور بر عهده کیست؟»

شاعر «مجموعه سیری در ملکوت» و «یک دریا عطش» می‌گوید:

«امروز شعر جوان ما به تدریج دارد از جنبه محتوایی ضعیف می‌شود و حرفی برای گفتن ندارد؛ فقط به ساختار بیرونی شعر توجه می‌شود. جوانان ما به اشعاری رو آورده‌اند که با استفاده از بعضی کلمات و ترکیبات، به لحاظ عاطفی بتوانند در برقراری روابط مؤثر باشند. این رویکرد غلطی است که باعث شده شعر جوان ما مثل عروسک‌های ویترونی که از دور تماشای آنها لذت بخش نیست، جلوه کند؛ اما وقتی از نزدیک لمسشان می‌کنی، روح ندارند؛ مرده‌اند؛ هدف و پیامی ندارند.»

وی اضافه می‌کند: «از طرفی دیگر، بیگانگی قشر جوان جامعه ادبی ما با پیشینه افتخارآمیز فرهنگی و ادبی کشور، فاجعه است. این فاجعه، زمانی احساس می‌شود که از یک سو نگاهی به گنجینه گران سنگ ادبی و عرفانی خود داشته باشیم و از دیگر سو، نگاهی هم به آثاری که امروز خلق می‌شوند؛ این مقایسه، اگر چه کوتاه و گذرا باشد، انسان را به نتایج بسیار تلخی می‌رساند که می‌تواند عمق این فاجعه را تا ژرفای وجودش حس کند.»

مجاهدی که اکنون سرگرم تحقیق و پژوهش درباره قلمرو شعر آیینی است، در پاسخ به این سوال که: «تعریف شما از شعر آیینی چیست؟» می‌گوید: «هنوز تعریف جامع و مانعی از شعر آیینی در زبان فارسی ارائه نشده است؛ حتی پژوهشگران زبان فارسی جز دو حوزه «مناقبی» و «ماتمی»، تعریف دیگری برای آن نمی‌کنند. خوب اگر به همین تعریف بسنده شود، این سوال مطرح می‌شود که: جایگاه شعر عرفانی، اخلاقی، حکمی و بندی

کجاست؟ اگر این اشعار، جزو محدوده آیینی نیستند، باید در چه جایی از آنها سراغ بگیریم؟»

شاعر مجموعه «آسمانی‌ها و یک صحرا جنون»، درباره مهم‌ترین بحثی که امروزه در شعر آیینی مطرح است، می‌گوید: «مهم‌ترین مقوله‌ای که در قلمرو شعر آیینی در زبان فارسی با آن مواجه هستیم، مسأله آسیب‌شناسی شعر آیینی است. متأسفانه تاکنون کار جامع گسترده و ملونی در این باره انجام نشده است و باید و نیایدهایی که در مقوله آسیب‌شناسی شعر آیینی مطرح است، برای بسیاری از شعرای آیینی ما، ناشناخته است.»

وی می‌افزاید: «مسأله دیگر، تضعیف وجهه شعر آیینی است. متأسفانه در این رابطه، شاهد رویکرد شتاب‌آلوده مداحان و ستایشگران آیینی هستیم که به کارهای یکبار مصرف و مقطعی رو آورده‌اند؛ در حالی که تا ۵۰ سال پیش ستایشگران آیینی ما هنگام اجرای برنامه‌شان، بهترین غزلیات اخلاقی و پندی را برای مخاطبان قرائت می‌کردند و قسمت اعظم وقت برنامه را با آن اشعار ناب صرف می‌کردند و در پایان به عنوان تیمن و تبرک، ذکر مصیبت کرده و مجلس را ختم می‌کردند.»

نویسنده جلد اول «تذکره سخنوران» همچنین اضافه می‌کند: «بحث دیگر که در این باره مطرح است، جایگزین شدن قرائت ماتمی به جای قرائت‌ارزشی فرهنگ باننده اهل

**امروز شعر جوان ما به تدریج دارد از جنبه محتوایی ضعیف می‌شود و حرفی برای گفتن ندارد؛ فقط به ساختار بیرونی شعر توجه می‌شود.**

**شعر جوان ما مثل عروسک‌های ویترونی که از دور تماشای آنها لذت بخش است، جلوه می‌کند؛ اما وقتی از نزدیک لمسشان می‌کنی، روح ندارند؛ مرده‌اند؛ هدف و پیامی ندارند.**

**تنها چیزی که غالب ستایشگران آیینی امروز به آن می‌اندیشند، آثاری است که جنبه از تولید به مصرف دارد؛ خلق الساعه آفریده می‌شوند و در یک زمان بسیار کوتاه، اجرا شده و بعد به دست فراموشی سپرده می‌شوند.**

بیت (ع) است. با توجه به شواهد موجود، به صراحت می‌توان گفت تنها چیزی که در آفرینش آثار آیینی و ارائه برنامه‌های مذهبی، به آن اهمیت داده نمی‌شود، همین مفاهیم ارزشی است. در چنین وضعیتی، جای خالی شعرهایی که دارای پیام باشند و شعرهایی که غنای محتوایی خودشان را و امدار قرآن و متون روایی باشند و اشعاری که به لحاظ ساختاری و محتوایی از متانت و وزانت لازم برخوردار باشند، در محافل مذهبی ما به وضوح احساس می‌شود. تنها چیزی که غالب ستایشگران آیینی امروز به آن می‌اندیشند، آثاری است که جنبه از تولید به مصرف دارد؛ خلق الساعه آفریده می‌شوند و در یک زمان بسیار کوتاه، اجرا شده و بعد به دست فراموشی سپرده می‌شوند.»

مجاهدی که از اتفاق پیش آمده بسیار نگران است، ادامه می‌دهد: «متأسفانه هنوز بعد از ۲۵ سال که از انقلاب اسلامی ما می‌گذرد، نتوانسته‌ایم مفهیم کدام ارگان یا نهادی مسئولیت نظارت بر امور مداحان آیینی و رسیدگی به آن را بر عهده دارد. بنابراین تا یک نهاد قدرتمند مسؤول برای سامان دادن به امور مداحان مشخص نشود، این بی‌نظمی، روز به روز ابعاد بیشتری پیدا خواهد کرد؛ تا جایی که شاهد هستیم برخی از این مداحان که سابقه چندانی هم در امر ستایشگری ندارند و هنوز در آغاز راه هستند، سبک‌ها و آهنگ‌هایی را اجرا می‌کنند که همان آهنگ‌ها و تصنیف

مبتذل طاغوت است؛ همان را می‌گیرند و با تغییر چند کلمه، به عنوان یک اثر مذهبی به مخاطبان خود قالب می‌کنند. این اتفاق به نظر من فاجعه است؛ زیرا به واسطه همین عدم نظارت، کجای و اعتبار ستایشگران واقعی آل‌الله زیر سوال می‌رود. باید نهاد مسؤولی باشد تا صلاحیت‌ها و توانایی‌ها را بسنجد و آداب ستایشگری را بیاموزاند. باید به گونه‌ای عمل کنیم که یک ستایشگر آیینی، به اندازه لزوم با موازین شعری آشنا شود و با مؤلفه‌های انتخاب شعر خوب، بیگانه نباشد و از قرآن، روایت، ادبیات عرب و فارسی به اندازه لزوم شناخت داشته باشد. در آن صورت است که می‌توانیم از یک ستایشگر آیینی انتظار داشته باشیم برنامه‌ی جامع و آموزنده ارائه نماید.»